

توپ قاجاق فیلم در زمین سینما داران

یک مدیر سینمایی، توپ قاجاق فیلم‌های روی پرده را به زمین سینما داران انداخت و البته تاکید کرد که سازمان سینمایی از این پس، افرادی را به‌طور نامحسوس برای بازاری پی سالن‌های سینما روانه خواهد کرد. روح... سهرابی، مدیرکل نظارت بر عرضه و نمایش فیلم سازمان سینمایی با بیان این‌که درخصوص قاجاق فیلم از طریق فیلمبرداری از روی پرده سینما، سینما داران و انجمن سینما داران باید جوابگو باشند،

نقد فیلم



نمایی از فیلم «سگ بند» پیکارگرای مهوان احمدی

نقدی بر «سگ بند» که جزو ۵ فیلم پرفروش تاریخ سینمای ایران شد

این ۳۰ میلیارد، افتخار ندارد

«سگ بند در کمتر از ۵۰ روز جزو پنج فیلم پرفروش تاریخ سینمای ایران شد.» آیا

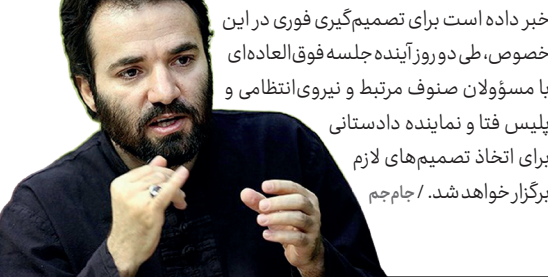
باید به این جمله تبلیغاتی گروه سازنده

فیلم سگ بند به‌عنوان یک دستاورد نگاه کرد؟ آیا می‌توان رقم فروش حدود ۳۰ میلیارد تومانی با بلیت ۴۵ هزار تومانی را افتخاری برای این فیلم و هر اثر دیگری دانست؟
فیلمی که تعداد مخاطبان آن حتی به یک میلیون نفر هم نمی‌رسد که در مقیاس جمعیت

کشور، رقم ناچیز و ناامیدکننده‌ای است و فاصله‌بعیدی با تعداد مخاطبان چند میلیونی آثار پرمخاطب دهه‌های دور سینمای ایران دارد.

وقتی فیلم بی‌نمک و با سوزهای تکراری چون دینامیت صرفا به لحاظ میزان فروش و بدون درنظر گرفتن تورم، پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران است، به خودی خود یک دهن‌کجی به قدر و قیمت فیلم‌های خوب و مهم به‌ویژه آثار کمدی

درست‌درمان به حساب می‌آید. حالا شما بگویید آیا پنجم بودن در چنین فهرستی، جای فخرفروشی دارد؟ آن سه فیلم دیگر فهرست برطمطراق پرفروش‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران هم وضعیت بهتری به لحاظ ساخت و کیفیت ندارند و سرجمع از گشت ارشاد ۳ و مطرب و هزارپا و البته با احتساب دینامیت و سگ بند، یک آجاره‌نشین‌ها و آپارتمان شماره ۱۳ و حتی ورود آقایان ممنوع درنمی‌آید.



پیکارگرای مهوان احمدی

یک گام به عقب برای فیلمساز

سگ بند که می‌توانست اسمش یکی دیگر از فنون قدیمی و فراموش شده کشتی مثل شترکش و گوسفنداناز هم باشد، نسبت به فیلم مصادره، یک‌گام به عقب برای کارگردانی آن‌مهران احمدی، محسوب می‌شود. سگ بند گرچه چیزهای خوبی هم دارد و سعی می‌کند قصه‌کو پیش برود و با بهره‌گیری از فرهنگ زورخانه‌ای و پهلوانی، دست‌گیری از زمین خورده‌ها و همدلی را گوشزد کند اما در ادامه مسیر اشتباهی می‌رود و همه آن ماجراهای پولدار شدن و درگیری‌های بی‌نمک درباره معامله مواد مخدر کمکی به جذابیت قصه نمی‌کند. اگر هم فیلم گاهی خنده‌های نصفه و نیمه‌ای از تماشاگر می‌گیرد، به دلیل وجود ذاتا بانمک بازیگرانی چون بهرام افشاری و امیر جعفری است وگرنه آن هیاهوهای بسیار برای هیچ سر مواد مخدر و شعر و شاعری مضحک پسر بزرگ خانواده با دختری جوان و عشق و عاشقی بی‌مزه دختر خانواده با پسری یک‌لقبا، هیچ‌کدام ذره‌ای از کمدی جذاب و شش‌دنگ ندارند.

ضمن این‌که اینجا هم گروه سازنده، مثل برخی کمدی‌ها و فیلم‌های سال‌های اخیر سعی می‌کند به هر بهانه‌ای شده یک سفر خارج در قصه بگنجاند و بخشی از داستان را با بازیگوشی‌ها و چشم‌اندازهای توریستی و دختران خارجی پیش ببرد؛ اتفاقی که نه فقط در سینما رایج شده است بلکه این روزها به شبکه نمایش خانگی هم سرایت کرده‌است و در آثاری مانند نیسان‌آبی و ساخت ایران ۳ (و البته با درصد کمتری خسوف) نویسندگان فیلم‌نامه‌ها، بی‌دلیل ناگهان سر قلم را به سمت استانبول کج می‌کنند. تازه بعد از همه شیلنگ‌تخته انداختن‌هاست که نویسنده و کارگردان در پایان به این نتیجه می‌رسند که با یک نتیجه‌گیری اخلاقی و این‌که همه اینها از تبعات منفی سودای یک‌شبه پولدار شدن و کار قاجاق مواد مخدر است، سر و ته قصه را هم آورند. اتفاقی که در «مصادره» به همین راحتی و به این شکل خام‌دستانه انجام نشده بود. در آن فیلم، فیلمساز لبه‌تند طنز خود را به سمت اپوزیسیون آیکی خارج‌نشین گرفته بود و توانسته بود در قالب یک داستان طنز، پشت‌صحنه این گروه‌ها را نشان دهد اما در این فیلم، از این خبرها نیست.

فارغ از این کم و کاستی‌ها و هیاهوهای نظیر ورود فیلم به فهرست پنج‌تایی پرفروش‌ترین‌های تاریخ سینمای ایران! سگ‌بند حداقل به علت آخرین یادگاری‌های زنده‌یادان سیروس گریستانی و عزت ... مهرآوران ارزشمند و قابل اشاره است. روحشان شاد.

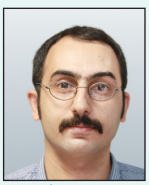
سینمای جهان

پرسش‌های تازه در «زندانی ابدی»

دو دهه بعد از حادثه یازدهم سپتامبر فیلمسازان متعهد هنوز هم به دنبال به‌نمایش گذاشتن زشتی‌ها و خلافکاری‌هایی هستند که سازمان سیا و دولتمردان آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم انجام دادند و زندگی صدها هزار شهروند بی‌گناه را در این کشور به نابودی کشیدند. ظاهرا شکنجه‌گران اداره امنیت آمریکا با دستگیری و زندانی کردن بسیاری از مردم بی‌گناه، به دنبال یافتن سرخ‌های تازه از اقدامات تروریستی احتمالی پیش‌رو و مقابله با آنها بودند اما حاصل و نتیجه کار فنا شدن زندگی‌هایی بود که تا امروز هم مرمت پیدا نکرده است. هردو سینمای داستانی و مستند در رابطه با زندان گوانتانامو و زندانیان آن فیلم‌هایی تهیه و تولید کرده و تلاش داشته‌اند تا گوشه‌هایی از واقعیت‌های تلخ پشت پرده این زندان مخوف را به‌نمایش بگذارند. «زندانی ابدی» تازه‌ترین این مستندهاست که آکس گیبلی آن را کارگردانی کرده و توانسته توجه منتقدان و تماشاگران پیکرر را به خود جلب کند. این درام تلخ تاریخی با انتخاب ابو زبیده، یکی از زندانیان عرب‌تبار گوانتانامو، در کنار شرح داستان دستگیری و شکنجه‌شدن او فضایی کلی از وضعیت قربانیان جنگ با تروریسم دولت



هیولا و بادکنک رویاها



علی رستگار

فرهنگ و هنر

۷۷ سال پیش در چنین روزی جنگ جهانی دوم با تسلیم متحدین، خودکشی آدولف هیتلر، رهبر حزب نازی و اشغال آلمان توسط نیروهای متفقین به پایان رسید. آغاز این مرگبارترین جنگ تاریخ با حدود ۸۵ میلیون کشته، یورش آلمان به لهستان بود اما آیشخور اصلی این جنگ شش‌ساله و

فرسایشی و ویرانگر را باید خوی جهان‌خواری و میل شدید به کشورگشایی و پاک‌سازی نژادی هیتلر دانست. کاریزمای او البته از جنبه منفی، چنان سایه سنگین و رعب‌آوری داشت که حتی این زمان هم صحبت از آن تمامی ندارد و مرور زندگی و تصمیم‌های عجیب و مرگبار او، همچنان عبرت‌آموز است. بخش‌هایی از شخصیت مقتدر و مخوف او در فیلم‌های سخنرانی‌اش هویداست که چگونه حاضران را میخکوب می‌کرد. در این خصوص به‌ویژه باید به دو مستند تماشایی پیروزی اراده و المپیا، هردو ساخته لنی ریفتشتال – فیلمساز محبوب هیتلر که در خدمت دستگاه تبلیغاتی حزب نازی بود- اشاره کرد. دیدن استرس ورزشکاران آلمانی در فیلم المپیا که باید در حضور پیشوا مسابقه دهند و انتظاری جز قهرمانی از آنها نمی‌رود، کفایت می‌کند تا حساب کار دست‌تان بیاید. با وجود این‌که بارها به هیتلر در قالب فیلم‌ها، کتاب‌ها، مقالات، گزارش‌ها و نوشته‌های مختلفی پرداخته شده اما هنوز جذابیت دراماتیک و رمز و راز شخصیتی‌اش فروکش نکرده و هربار می‌توان از زاویه تازهای به این هیولا نزدیک شد و به روایت جذاب تازه‌ای رسید، ولی بدون تردید یکی از درخشان‌ترین مواجهه‌ها با هیتلر و نقد توحش مدرن و غریزه ویرانگری او را چارلی چاپلین، هنرمند بی‌تکرار سینما در کمدی «دیکتاتور بزرگ» انجام داده است؛ نکته جالب این‌که فیلم سال ۱۹۴۰ ساخته شده؛ یعنی اوج حزب نازی و حضور هیتلر در عرصه سیاست جهانی. هرچند قصه فیلم در کشوری با اسم ساختگی تامانیا می‌گذرد و هیچ اشاره مستقیمی به اسم هیتلر و موسولینی و حزب



نازی نمی‌شود اما چاپلین معادل‌های واضح اسمی و رفتاری در قصه در نظر گرفته که هر مخاطبی با دیدن آنها بلافاصله هیتلر را به یاد می‌آورد. چاپلین به زیبایی هرچه تمام‌تر میل به جهان‌گشایی هیتلر را در قالب دیکتاتوری ریزنقش و کوچک‌جثه به نام هینکل به تصویر می‌کشد. یکی از اوج‌های این هنرنمایی، سکانس بازی او با بادکنکی بزرگ با نقشه کره زمین است. ذوق و شوق کودکانه دیکتاتور برای بازی با کره زمین و آدم‌هایش، استعاره درخشانی برای یک‌بازی

بچگانه به‌غایت مرگبار و ویرانگر است. این‌که چطور تصمیم‌های بچگانه و دور از منطق یک دیکتاتور درنده‌خو، می‌تواند به قیمت نابودی جهان تمام شود. البته چاپلین در دنیای داستانی خودش با وپیش‌بینی زود هنگام پایان هیتلر و حزب نازی، در پایان سکانس بادکنک رویاهای دیکتاتور را می‌ترکاند و نقشه شوم او را نقش برآب می‌کند.

خیلی دلمان می‌خواهد بدانیم هیتلر، فارغ از ممنوع‌کردن نمایش فیلم در آلمان و کشورهای تحت اشغال، موقع دوبار تماشای دیکتاتور بزرگ و به‌خصوص این سکانس، به چه چیز فکر می‌کرد و به اطفایانش که یقینا جرات خنده نداشتند، چه می‌گفت. آیا خودش توانسته با این حجم از ارجاع‌گزنده، مثل ما بخندد و قهقهه سردها یا دست‌کم تاریخی را که باعث عذاب و گریاندنش شده به لیخندی مهمان کند؟

سینما

C I N E M A

یکشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۱ ۶۲۰۷ شماره

تلنگر

اصل، سبک زندگی است



سعید مستغنی

منتقد سینما

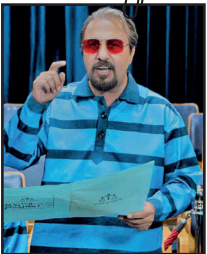
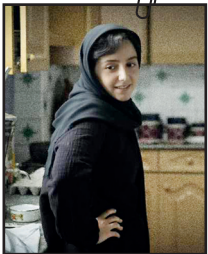
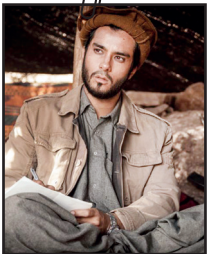
ادامه از صفحه ۵
در توضیح فرمول فوق، این‌گونه آمده‌بود که طرح و برنامه‌ای در نظر گرفته‌شود تا اصول روش (سبک) زندگی آمریکایی در مقابل سیستم ضدآمریکایی در آثار تولیدی نمایش داده‌شود. در پی آن، دفترهای تدوین شد

و در اختیار فیلمسازان قرار گرفت تا طبق بندهای آن، فیلم‌نامه‌ها نوشته و فیلم‌ها ساخته شوند. حتی بنا به پیشنهاد جان فورد، قرار شد برای اجرایی‌شدن فرمول فوق در فیلم‌های هالیوودی، دو نفر به‌عنوان ناظر از سوی سازمان‌های نظامی و امنیتی بر روند ساخت آنها گمارده شوند. سازمانی به نام MPS برای توزیع آثار مطلوب نظر پنتاگون و سیا به وجود آمد که شبکه توزیع عظیمی در سراسر جهان برای فیلم و سینمای آمریکا ایجاد کرد. این واقعیات در اسنادی که به مناسبت ۶۰ سالگی سازمان سیا انتشار یافت، به چشم می‌خورد و فرانسیس ساندرس (پژوهشگر و روزنامه‌نگار آمریکایی) نیز به آنها طی مصاحبه‌های مفصل با مقامات سیاسی و فرهنگی و امنیتی آمریکا در کتاب جنگ سرد فرهنگی اشاره کرده‌است.



آرزوهای دور و دراز، روابط باز و بی‌بند و بار میان زن و مرد، ترویج اشرافیت و سرمایه‌داری، کنار گذاردن خدا و معنویت و دین از زندگی و روی آوردن به انسان‌محوری، تخریب خانواده و دگرگون کردن مفاهیم و عناصر اصلی آن یعنی پدر و مادر، تقییر و محکومیت فرهنگ و سبک زندگی مخالف ایدئولوژی آمریکایی و... از جمله اساس سبک زندگی آمریکایی بود که در آثار تولیدی هالیوود در نظر گرفته شد.

از آن پس در ورای همه قصه‌ها و داستان‌ها و فراتر از ژانرها و انواع فیلم و هنر و تجارت و گیشه و فروش و سیاست و... این نمایش سبک زندگی آمریکایی بود که در آثار تولیدی هالیوود در اولویت قرار گرفت؛ چنانچه امروزه در آثار مولودرام با فیلم‌های کودک و انیمیشن یا سینمای جنگ یا هراس و حتی تولیدات به اصطلاح علمی/افسانه‌ای (Science/Fiction) نمایش سبک زندگی آمریکایی حرف اول را می‌زند. اما متأسفانه در سینما و تلویزیون ما، نه‌تنها کمتر خبری از سبک زندگی ایرانی-اسلامی به چشم می‌آید، بلکه اغلب همان سبک زندگی غربی یا آمریکایی را در کادر دوربین خود قرار می‌دهند، همان تخریب خانواده و روابط باز زن و مرد، همان اشرافی‌گرایی، همان سکولاریسم و اومانیسم، همان تقییر فرهنگ و سبک زندگی خودی و همان... گویی پس از گذشت بیش از ۶۵ سال به همان فرمول آمریکایی آزادی نظامی یا Militant Freedom عمل می‌کنند، انگار همان الگوها و سفارش‌های دیرین سازمان‌های نظامی و امنیتی آمریکا را در نظر گرفته و می‌گیرند.



| | |
|----------------------------------|-----------------------------------|
| مغز استخوان | لامینور |
| فروش: | فروش: |
| ۸۶ میلیون و ۲۸۸ هزار و ۵۰۰ تومان | ۸۰۰ میلیون و ۳۷۵ هزار و ۵۰۰ تومان |

| | |
|----------------------------------------|-----------------------------------------------|
| مرد بازنده | روز صفر |
| فروش: | فروش: |
| ۶ میلیارد و ۴۶ میلیون و ۶۰۵ هزار تومان | ۷ میلیارد و ۸۷۸ میلیون و ۱۶۱ هزار و ۵۰۰ تومان |

| | |
|------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------|
| شادروان | انفرادی |
| فروش: | فروش: |
| ۹ میلیارد و ۷۳۷ میلیون و ۱۹۰ میلیون و ۲۱۹ هزار و ۵۰۰ تومان | ۹ میلیارد و ۷۳۷ میلیون و ۳۸۹ هزار و ۵۰۰ تومان |

| | |
|------------------------------------------------|-----------------------------------------------|
| موقعیت مهدی | سگ بند |
| فروش: | فروش: |
| ۱۰ میلیارد و ۶۷۸ میلیون و ۱۵۳ هزار و ۷۵۰ تومان | ۲۹ میلیارد و ۸۹۰ میلیون و ۱۷ هزار و ۵۰۰ تومان |

فروش فیلم‌های اکران نوروزی و اکران عید فطر در روزهای تعطیل در حالی ادامه یافت که فیلم «انفرادی» در حال بالاکشیدن خود در جدول فروش است و توانست با فروش عصر جمعه، جایگاه سوم جدول را که چند هفته‌ای در اختیار «شادروان»، دیگر فیلم طنز جدول اکران بود، از آن خود کند. البته به نظر می‌رسد فیلم‌های موجود برای رسیدن به فروش «سگ بند» که در آستانه ۳۰ میلیارد فروش است، کار سختی دارند. «موقعیت مهدی» تنها فیلم غیرطنز بالای جدول است که هفته گذشته توانست روند رو به بالای فروش خود را همچنان حفظ کند اما با توجه به میزان فروش انفرادی بعید نیست تا چند روز دیگر این جایگاه را به تازه‌ترین ساخته مسعود اطیابی واگذار کند.